



RS

ترامپ نباید کنار بکشد

اگر دولت ترامپ واقعاً به تهدیدهای خود مبنی بر کناره‌گیری از تلاش‌ها برای حل و فصل جنگ در اوکراین عمل کند، وضعیت به احتمال زیاد برای همه طرف‌های درگیر، از جمله ایالات متحده، بدتر خواهد شد؛ شاید بسیار بدتر. این امر به‌وضوح در مورد اوکراین صادق است، به‌ویژه اگر کناره‌گیری آمریکا از کمک دیپلماتیک با قطع کمک‌های نظامی و اطلاعاتی همراه شود. کی‌یف همچنان ممکن است تصمیم به ادامه جنگ در چنین شرایط دشواری بگیرد، اما شانس موفقیتش در میدان نبرد به‌شدت کاهش خواهد یافت. با توجه به چالش‌های مداوم اوکراین در زمینه نیروی انسانی و کاهش تعداد سامانه‌های دفاع هوایی پاتریوت ساخت ایالات متحده برای محافظت در برابر حملات موشکی گسترده روسیه، ضربه به روحیه اوکراینی‌ها ممکن است تعیین‌کننده باشد. انتخاب گزینه ادامه یا حتی افزایش سطح کنونی کمک‌های نظامی و اطلاعاتی ایالات متحده به اوکراین، شکست را صرفاً به تأخیر می‌اندازد، اما از آن جلوگیری نخواهد کرد. بسیاری به کندی پیشروی روسیه در خط مقدم به عنوان نشانه‌ای اشاره می‌کنند دال بر اینکه اوکراین، با اراده سیاسی کافی از سوی غرب، می‌تواند وضعیت بن‌بست را حفظ کند. اما سنجش شانس اوکراین صرفاً یاردهایی پیشروی روسیه بر روی نقشه، گمراه‌کننده است. در یک جنگ فرسایشی، پیشرفت نه به موفقیت‌های مقطعی در میدان نبرد، بلکه با تعداد سربازان آموزش‌دیده و مجهزی سنجیده می‌شود که هر طرف قادر است به میدان اعزام کند. با این معیار، اوکراین در تنگنای بزرگی قرار دارد. با این حال، بر خلاف تصور رایج، فروپاشی اوکراین کاملاً هم خبر خوبی برای ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، نخواهد بود. البته، روسیه در میدان نبرد موقعیت برتری خواهد یافت که به آن امکان می‌دهد چهار منطقه اوکراینی را که رسماً ضمیمه خاک خود کرده اما هنوز کاملاً به تصرف درنیارده است، اشغال کند و مسکو می‌تواند به‌طور منطقی انتظار داشته باشد که ولودیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین، از نظر سیاسی تاب چنین شکستی را نیاورد و راه برای تغییر رژیم که روسیه مدعی است خواستار آن است، هموار شود. اما این احتمال یک پیروزی پرهزینه خواهد بود. اگر چه مسکو می‌تواند اوکراین را در هم بشکند، اما قادر به ترمیم آن نخواهد بود. اوکراینی که از نظر فیزیکی و نظامی در هم شکسته باشد، به احتمال زیاد از نظر سیاسی نیز فرو خواهد پاشید. با اینکه شکست اوکراین ممکن است در ظاهر به نفع روسیه باشد، اما در واقع پیامدهای خطرناکی برای مسکو به همراه دارد. اشغال کامل اوکراین غیرممکن است و یک اوکراین ویران‌شده و متلاشی، نه تنها تهدیدی برای ثبات داخلی روسیه خواهد بود، بلکه زمینه‌ساز بروز ناامنی‌های مرزی، افراط‌گرایی، و بی‌ثباتی در همسایگی‌اش خواهد شد. از سوی دیگر، بدون توافقی مبتنی بر مصالحه، امکان همکاری امنیتی گسترده میان روسیه و غرب از میان می‌رود و مسابقه تسلیحاتی در اروپا شتاب می‌گیرد.

در واشنگتن، برخی ممکن است نسبت به این تحولات در اروپا بی‌تفاوت باشند، اما واقعیت این است که ایالات متحده همچنان نقش اصلی در بازآرندگی هسته‌ای خواهد داشت. استقرار موشک‌های جدید آمریکا در اروپا و احتمال تجهیز آن‌ها به کلاهک هسته‌ای، رقابت هسته‌ای را تشدید می‌کند و کشورهای اروپایی را به سمت توسعه سلاح‌های هسته‌ای سوق می‌دهد. این روند، اشاعه تسلیحات در سایر نقاط جهان را نیز تسریع خواهد کرد.

افزون بر آن، بی‌ثباتی بیشتر در اروپا باعث وابستگی عمیق‌تر روسیه به چین، و افزایش تمایل مسکو برای ایجاد بی‌ثباتی در خاورمیانه خواهد شد. این عوامل، رسیدن به هدف ترامپ برای ایجاد ثبات در نظام بین‌الملل چندقطبی را دشوارتر می‌سازند. بدون صلح در اوکراین، تنش‌زدایی میان آمریکا و روسیه تقریباً ناممکن خواهد بود.

در واقع، هیچ کدام از طرفین، نه ترامپ و نه پوتین، خواهان آینده‌ای چنین بی‌ثبات و پرخطر نیستند. اما راهی برای گریز از آن وجود ندارد، مگر از مسیر یک توافقی مذاکره‌شده. پوتین تنها زمانی با آتش‌بس موافقت خواهد کرد که تضمین‌هایی درباره تأمین نگرانی‌های امنیتی روسیه دریافت کند. اروپا و اوکراین نه توان و نه اختیار لازم برای چنین توافقی را دارند؛ تنها ایالات متحده می‌تواند چارچوبی را ارائه دهد که هم نگرانی‌های امنیتی روسیه را در نظر بگیرد و هم استقلال و ثبات اوکراین را تضمین کند.

این چارچوب باید بر پایه یک مصالحه ژئوپلیتیکی استوار باشد: عدم پیوستن اوکراین به ناتو در ازای حمایت روسیه از عضویت اوکراین در اتحادیه اروپا. چنین توافقی نیازمند نقشه راهی دقیق برای حل مسائل پیچیده جنگ است.



کایا کلاس، نماینده عالی سیاست خارجی اتحادیه اروپا/عکس: Getty Images

تحولات
اروپا

منتقدان بی‌عمل

آیا این بار، شدت جنایت‌های اسرائیل
کشورهای اروپایی را به واکنش جدی وامی‌دارد؟محمدحسین لطف‌اللهی
خبرنگار بین‌الملل

انتقاد کم‌سابقه صدراعظم آلمان از سیاست‌های اسرائیل نشانه‌ای آشکار از نارضایتی نزدیک‌ترین متحدان اروپایی اسرائیل از عملکرد تل‌آویو در جنگ غزه است اما کشورهای اروپایی به‌رغم نارضایتی بودن از رفتار اسرائیلی‌ها، آماده اقدام مشترک و استفاده از تمام ابزارهای موجود برای توقف جنایت‌های اسرائیل در غزه نیستند

پس از حمله مرگبار اسرائیل به یک مدرسه در غزه، فردریش مرتس، صدراعظم آلمان گفت که «آسیب زدن به غیرنظامیان دیگر نمی‌تواند به عنوان مبارزه با حماس توجیه شود.» این موضع او، چرخشی آشکار در مواضع برلین به‌شمار می‌رفت که از ابتدای جنگ بدون چون و چرا از اسرائیل حمایت کرده بود. مرتس به اسرائیل هشدار داد «کاری نکند که حتی نزدیک‌ترین دوستانش هم نتوانند آن را قابل قبول بدانند.»

ارتش اسرائیل روز دوشنبه ۲۶ مه، با حمله هوایی به مدرسه فقهی البجرجاوی در محله الدرج شهر غزه که محل اسکان آوارگان فلسطینی بود، جان ۳۱ غیرنظامی را گرفت. بر اساس گزارش خبرگزاری آنا تولی، در این حمله ۱۸ کودک و ۶ زن نیز کشته شدند. اظهارات مرتس در شرایطی مطرح شد که اتحادیه اروپا پس از گذشت یک‌سال و نیم از آغاز جنگ در غزه در حال «بازنگری» در خصوص روابط این اتحادیه با اسرائیل است. مسئله بازنگری در روابط اقتصادی با اسرائیل از سوی هلند در اتحادیه اروپا مطرح شده که خود از جمله مهم‌ترین متحدان اسرائیل در اروپا پس از آلمان محسوب می‌شود. اورسولا فون درلاین، رئیس کمیسیون اروپا نیز در اظهارنظری قابل تأمل، طرح اسرائیل برای گسترش جنگ در غزه را «نفرت‌انگیز» توصیف کرد.

بر اساس گزارش واشنگتن‌پست، برخی از اعضای اتحادیه اروپا خواهان تعلیق کامل روابط اقتصادی این اتحادیه با اسرائیل هستند با این وجود، سایر کشورهای اروپایی حاضر به پذیرش اقدامات تنبیهی علیه اسرائیل نیستند؛ تنها می‌خواهند فاصله خود را با جنایت‌های اسرائیل در غزه حفظ کنند. این وضعیت باعث شده تا امکان اقدام دسته‌جمعی علیه اسرائیل فراهم نباشد و کشورهای اروپایی نگرانند تا حرکت در این مسیر، اختلافات داخلی در درون اتحادیه را تشدید کند.

امانوئل مکرון، رئیس‌جمهور فرانسه روز جمعه ۳۰ مه در سفر به سنگاپور اظهار کرد که موضع جمعی اروپا در قبال اسرائیل باید «سختگیرانه‌تر» شود: «این کاملاً واضح است که ما نمی‌توانیم اجازه دهیم این وضعیت ادامه پیدا کند. اگر تغییر محسوسی در وضعیت انسانی در غزه اتفاق نیفتد ما باید موضع جمعی سختگیرانه‌تری اتخاذ کنیم.» رئیس‌جمهور فرانسه

همچنین اضافه کرد که به رسمیت شناختن کشور فلسطینی «وظیفه اخلاقی» و «ضرورت سیاسی» است. هر چند کشورهای اروپایی در عمل هنوز اقدام خاصی را برای افزایش فشارها بر اسرائیل به منظور توقف جنگ در غزه صورت نداده‌اند اما مواضع سیاسی آن‌ها در نقطه مقابل مواضع دولت آمریکا قرار دارد که مرتباً از اقدامات اسرائیل در غزه دفاع می‌کند. یک مقام اروپایی در این باره گفته است که اروپا مرتباً ایالات متحده را از تصمیمات بروکسل در خصوص روابط با اسرائیل آگاه می‌سازد و اروپا و آمریکا در این مسئله هم‌سو و هم‌فکر نیستند. یکی از سخنگویان وزارت امور خارجه آمریکا بدون افشای نام خود در واکنش به موضع‌گیری‌های اخیر اروپایی‌ها به رسانه‌ها گفت: «این کارهای آن‌ها برای خودنمایی در برابر رسانه‌ها و افکار عمومی است.» او همچنین تصمیم بریتانیا برای تعلیق مذاکرات جهت امضای توافق تجاری جدید با اسرائیل را «عمیقاً ناامیدکننده» توصیف کرد.

اسرائیل بیش از همیشه نسبت به سیاست‌های اروپا احساس نگرانی می‌کند. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل هفته گذشته در واکنش به ابتکار پیشنهادی فرانسه برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «فرانسه، بریتانیا، کانادا و دیگران می‌خواهند پاداش نهایی این قاتلان را به آن‌ها بدهند.»

▼ عامل تغییر

سال گذشته، طرحی برای بازنگری در روابط تجاری با اسرائیل در اروپا مطرح شد اما این طرح به جایی نرسید. این بار، بر اساس گزارش‌های رسانه‌ای اغلب اعضای اتحادیه اروپا با اینکه اقداماتی علیه اسرائیل صورت گیرد موافق هستند اما اجماعی در مورد نوع و شدت اقدامات وجود ندارد. خوزه مانوئل آلباز، وزیر امور خارجه اسپانیا که کشورش از طراحان اصلی طرح سال گذشته برای بازنگری در روابط تجاری با اسرائیل بود، در این باره گفت: «نظر برخی کشورهای اروپایی که سال گذشته مخالف بازنگری در روابط تجاری بودند تغییر کرده و آن‌ها با طرح جدید همراه هستند. آنچه نظر آن‌ها را تغییر داده، سطح خشونت به کارگرفته‌شده از سوی اسرائیل و به راه انداختن جنگ برای جنگ است.» او افزود: «برخی کشورها نیاز داشتند که چشمان خود را باز کنند و آنچه را که اتفاق می‌افتد ببینند. آنچه در غزه شاهد آن هستیم حتی با حداقل‌های انسانی هم فاصله دارد؛ ممانعت از دسترسی به غذا و دیدن این تصاویر وحشتناک از کودکان واقعاً سخت است.» وزیر امور خارجه اسپانیا تأکید کرد که مشاهده سر باز زدن دولت اسرائیل از دیپلماسی هم در زمینه تغییر نگاه اروپایی‌ها موثر بود. ناتالی توجی، مشاور سابق سیاست خارجی اتحادیه اروپا معتقد است که «تداوم عملیات نظامی اسرائیل، افزایش روزبه‌روز تلفات غیرنظامیان و استفاده از گرسنگی به عنوان ابزار جنگی به اندازه‌ای غیرقابل تحمل شده که رهبران اروپایی نمی‌توانند از آن چشم‌پوشی کنند.» او که در حال حاضر مدیر یک اندیشکده سیاست خارجی در پایتخت ایتالیا است، می‌گوید: «علاوه بر موارد مورد اشاره، موضوع اشغال دوباره غزه و اخراج ساکنان آن تأثیر بسیار زیادی در تغییر نگاه‌ها داشته است.» به گفته توجی، اروپایی‌ها در شرایطی قرار دارند که مقام‌های ارشد کابینه نتانیاهو آشکارا درباره «کنترل» غزه و اخراج ساکنان آن صحبت می‌کنند و این موضوع ادامه حمایت اروپایی‌ها از جنگ را غیرممکن ساخته است: «دیگر هیچ چیزی برای پنهان کردن باقی نمانده است.»

یک دیپلمات اتحادیه اروپا نیز که تمایل نداشت نامش فاش شود در این باره به واشنگتن‌پست گفت: «نارضایتی از رفتارهای اسرائیل در درون اتحادیه گسترش یافته و صبر مقام‌های ارشد اروپا در قبال نتانیاهو رو به پایان است. ممانعت از ورود غذا به غزه برای نزدیک به سه ماه هم یکی از وجهه‌های تاریک دیگر این جنگ بوده است.»

اتحادیه اروپا، به‌عنوان بزرگ‌ترین اهداکننده